

# بحث در موضوعات حقوقی

## لائحه قانون کیفر عمومی

(۹)

« ماده ۲۶ - تأثر و هیجان روحی رافع مسئولیت نیست مگر در مواردی که قانون آنرا رافع مجازات قرار داده باشد »

گاهی احوالی برای انسان پیش میآید که روحش شدیداً متأثر میشود و بهیجان میآید و نمیتواند آرام بنشیند و اعمالی مرتکب میشود که هیچ عاقلی در احوال عادی چنان کارها نمیکند و این حالت یا در اثر عقیده راسخی است یا در اثر عاطفه شدیدی مثلاً یک نفر دیندار متعصب میشود که کسی نسبت بخدا کفری شنید میگردد یا باشخصی که آنها را فوق العاده احترام میکند دشنام میدهد یا ناسزا میگردد و استماع این چیزها روح او را بهیجان میآورد و بگوینده صدمه یا جراحتی وارد میکند یا عاشقی دلباخته معشوق خود را پس از هجرانی طولانی از دور مشاهده میکند و بسوی او پرواز مینماید و در راه خود کسی را لگدمال میکند یا مادری طفل خود را در شرف غرق شدن مشاهده میکند و حایلی که مال غیر است شکسته یا پاره کرده یا استخلاص او همیشه با پدری زب خود یا دختر یا مادر خود را با مردی بیگانه در حالی نا شایسته ملاحظه میکنند و خونس به جوش میآید و بیکی از آنها صدمه وارد میکنند که در تمام این احوال و مانند آن خود مرتکب پس از برگشتن بحال عادی میگردد دیوانه شده بودم و مردم نیز اگر او را در آن حال بینند میگویند بیچاره دیوانه شده است نمیداند چه میکند - این ماده بیان میکند که این غم فراوان

یا شادی زیاد یا غضب شدید و خلاصه این حال تأثر و هیجان رافع مسئولیت نیست مگر در مواردی که قانون آنرا رافع مسئولیت قرار داده باشد چنانکه در مورد کسی که زن خود را با مرد بیگانه در یک فراس یا در جالی که بمنزله بودن در یک فراس است دیده و مرتکب قتل یکی از آن دو یا هر دو شود ماده ۴۸۷ این لایحه معافیت قائل شده

همانطور که در باب اختلال مشاعر مسئولیت ناقص که اثر مستقیمش تخفیف در کیفر است مورد نظر واقع شده و در ماده ۲۵ حکم آن گذشت در باب این تأثرات و هیجان روحی هم مسئولیت ناقص فرض میشود و البته آن را هم باید قانون تصریح کند و مثال از آن در ماده ۴۸۸ میتوان پیدا کرد

خلاصه - مقصود از تأثر و هیجان روحی انفصال نفسانی شدیدی است که روح را بهیجان میآورد یعنی از حالت آرامش و سکون بیرون میبرد و بفعالیت وادار میکند مانند غم و غصه شدید یا غضب شدید یا فرح شدید - و حکم این قضیه بطوری که از مجموع این لایحه بدست میآید این است که در بعض موارد این معنی را رافع مسئولیت کیفری می شمارد و تصریح میکند مانند مورد ماده ۴۸۷ - و در بعض موارد هم آن را مخفف خاص قرار میدهد و میزان تخفیف را صریحاً معین میکند مثل بعض موارد ماده ۴۸۷ و در بعض موارد هم آنرا مخفف عام در نظر میگیرد و اجازه تخفیف میدهد مثل موارد

استعمال کند

۴ - - اینکه بر اثر اشتباه موضوعی که مسکر را بغیر مسکراشتباه کرده آنرا استعمال کند بخیل این که چیز دیگری است و در واقع مسکر باشد

قدر مشترك بين این چهار صورت این است که اختیار آن شخص در سلب قوه فهم یا اراده از خود دخالتی نداشته است حال هر گاه آن شخص در یکی از این فروض کاملاً مست شود بطوری که قوه فهم یا اراده از سلب شود و در آن حال مرتکب بزه می شود مثلاً سر انسانی را که از روی مستی و بی شعوری کامل خیال میکند گوسفند است ببرد یا با علم و توجه باینکه موظف بحفظ خرمن است از حریق و با اینکه خرمن را میبیند و میشناسد بواسطه سلب قوه اراده نتواند جلو آتش را که باد به سوی آن میبرد بگیرد و آن خرمن بسوزد در تمام این احوال مرتکب مسئولیت نخواهد داشت و بعبارت دیگر از کیفر معاف است

اگر مستی حاصل بیکمی از وجوه مذکوره قوه فهم یا اراده را کاملاً از بین نبرد لکن نقصان بزرگی در آن ایجاد کند مسئولیت بر قرار است لکن از کیفر تخفیف داده میشود

درین ماده برای خود مستی حکمی ذکر نشده و حکمی که مذکور است برای مسلوب شدن قوه فهم و اراده یا نقصان آنست و چون در ماده ۲۴ حکم موردی که فهم یا اراده بعلمتی غیر از اختلال تام مشاعر از مرتکب مسلوب باشد با اطلاقی که شامل مورد مستی هم میشود مذکور است و نیز ماده ۲۵ هم شامل موردی که ضعف مشاعر از جهت مستی باشد میگردد. پس ازین ماده فائده دیگری جز اشعار باینکه سلب فهم و اراده از جهت مستی هم ممکن است اتفاق افتد نیست. شاید از جهت اینکه در قضیه مستی نظر های مختلف اظهار شده درین قانون خواسته اند برای مستی حکم صریحی باشد و ازین جهت درین ماده و ماده ۲۸ حکم مستی اجباری و اختیاری را ذکر کرده اند.

شقوق ۱-۲ و ۳ ماده ۱۱۷ و اگر تصریحی به هیچ یک ازین وجوه نباشد آن تاجر و هیجان روحی از لحاظ رفع مسئولیت یا تخفیف کان لم یکن خواهد بود لکن در قوانینی که کیفیات مخففه را بنظر دادرس واگذار میکنند دادرسان آنها بسیار دیده شده که این تاثرات را بعنوان مخفف رعایت کرده اند

« ماده ۲۷ - اگر کسی بواسطه ضرورت یا اجبار یا اضطرار با استعمال مسکر کاملاً مست شود بطوریکه قوه فهم یا اراده از سلب شده باشد و در آن حال مرتکب جرمی شود مسئول نیست - و همچنین است در صورتی که مستی کامل بواسطه اشتباه در استعمال مسکر حاصل شده باشد.

در مورد این ماده اگر مستی کامل نبوده لیکن بعدی بوده است که نقصان بزرگی در فهم یا اراده ایجاد میکرده بدون آنکه بکلی آن را مختل کند از مجازات کم میشود»

درین ماده حکم عملی ذکر میشود که از شخص کاملاً مست صادر شود و آن مستی متناسب با اختیار خود او نباشد و بعدی هم باشد که قوه فهم یا اراده از مسلوب شده باشد و چنین کسی را معاف از کیفر میشمارد و بعبارت دیگر مسئولیتی برایش قائل نیست و این را در ضمن چهار صورت فرض میکند

۱ - اینکه ضرورت باعث مستی شده باشد چنان که کازی طبیعی از چاهی یا از شیمیائی از ظرفی خارج و در هوا پراکنده شود و کسی بضرورت آن هوا را استنشاق کند یا شخصی در خم شراب افتد و از روی ضرورت مقداری از کلویس پائین رفته و کاملاً مست شود

۲ - اینکه دیگری او را با استعمال مسکر مجبور کند مثلاً بزور مقداری مسکر در گلویش ریزد

۳ - اینکه خود او برای تسکین عطشی که بیم هلاکت در آن است یا تسکین دردی که بزشتک دوایش را منحصر بآن دانسته و مانند اینها عالم مسکر

« ماده ۲۸ - اگر مستی در نتیجه استعمال مسکر با اختیار عارض شده باشد رافع مسئولیت یا موجب تخفیف نخواهد بود.

اگر استعمال مسکر برای ارتکاب جرم یا تهیه عذر بوده مجازات زیاد میشود. »

این ماده حکم مستی که از جهت استعمال مسکر با اختیار حاصل شده باشد بیان میکند و برای این نحو مستی در صورت فرض نمیکند یکی آنکه در موقع استعمال مسکر نظری بر ارتکاب بزه نداشته یا اگر داشته غرض مهیا کردن خود برای ارتکاب بزه یا تهیه عذری برای خود نبوده. در فرض اول چون مستی اختیاری بوده تاثیری در رفع مسئولیت یا در تخفیف کیفر ندارد حتی در صورتی هم که بقوه فهم یا اراده نقصانی راه یافته یا بالمره از بین رفته باشد زیرا باز حصول این حالت برایش با اختیار خود او بوده. و در صورت دوم علاوه بر آنکه چنین تاثیری ندارد باعث زیاد شدن کیفر هم میشود زیرا حاکی از یک نحو پیش بینی و سبق تصمیم است.

راجع بمقدار زیاد شدن کیفر در اینگونه موارد که در خود ماده فقط زیاد شدن کیفر ذکر شده و از مقدار زیادی ذکر نرفته است خواهد آمد که چه اندازه باید افزوده شود.

« ماده ۲۹ - احکام دو ماده پیش در صورتی هم که سلب فهم یا اراده و یا نقصان آن در اثر استعمال مخدر باشد نیز بحسب مورد جاری است »

یعنی اگر حالت تخدیر از روی ضرورت یا اجبار یا اضطرار یا اشتباه حاصل شده و اراده آن شخص در آن دخالتی نداشته بر حسب اینکه قوه فهم یا اراده از سلب شده یا نقصان یافته باشد رافع مسئولیت یا مخفف کیفر خواهد بود و اگر استعمال مخدر با اختیار بوده چنین اثرها نخواهد داشت و بلکه اگر برای مهیا کردن خود برای ارتکاب بزه یا برای تهیه عذر باشد کیفر افزوده خواهد شد

« ماده ۳۰ - نسبت باعمال ارتکاب شده در حال اختلال تام یا ناقص مشاعر که از مسمومیت مزمن بواسطه اعتیاد متمادی با استعمال مسکر یا مخدر حاصل شده احکام مواد ۲۴ و ۲۵ جاری است »

این حال اختلال تام یا ناقص مشاعر که در اثر عادت با استعمال مسکر یا مخدر در زمانهای دراز حاصل می شود مرضی است مزمن که اگر چه مقدماتش اختیاری بوده باری شخص معتاد در خود آن مرض اختیاری نداشته و این فرض با فرض ماده ۲۸ درین تفاوت دارد که در آن جا استعمال اختیاری مسکر علت بلاواسطه اختلال مشاعر است ولیکن در مورد این ماده اگر چه استعمال مسکر با اختیار بوده لکن اختلال مشاعر اثر مستقیم یک عمل اختیاری نیست بلکه این عمل اختیاری و تکرار آن تا حد حصول اعتیاد با استعداد مزاجی و ظروف و احوال خاصه مجموعاً باعث حصول این مرض شده اند ازین رو در مورد ماده ۲۸ اختلال را ولو آنکه تام باشد رافع مسئولیت نگرفته و درین مورد اختلال تام را رافع مسئولیت گرفته اند.

باید دانست که مسئول قرار دادن مختل المشاعر در حین اختلال مشاعر عقلی نیست و اینکه در بعضی صورتها مختل المشاعر را مسئول میگیرند مقصود این است که شخصی که در حال ارتکاب عملی مختل المشاعر بوده پس از رفع آن حالت و برگشتن او بحال عادی مسئول آن عمل خواهد بود و اما اگر این حالت اختلال مشاعر دوام کرد و آن شخصی که مثلاً با اختیار مسکر خورده و مشاعرش اختلال تام حاصل کرده بهمان حالت باقی ماند البته مسئولیتی برای او نخواهد بود حتی اگر پس از ارتکاب عمل هم اختلال مشاعر پیدا کند باز مادامی که در آن حالت است مسئولیتی برای او نیست.